



صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران

معاونت سیاسی

اداره پژوهش های سیاسی

بدعهدی آمریکا در معاهده‌های بین المللی

(۱)

معاهده تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا)



فرآورده‌های خبری و تولیدات پژوهشی در بخش های زیر قابل دسترس است:

– وب سایت خبرگزاری صداوسیما (سرویس پژوهش) <http://www.iribnews.ir>

پژوهشگر: مهدی ناجی

فهرست مطالب

صفحه

عنوان

۱	■ مقدمه
۱	■ اهداف پیمان نفتا
۲	■ مفاد پیمان نفتا
۳	■ دلایل آمریکا برای مذاکره مجدد یا خروج از نفتا
۵	■ مذاکره مجدد بر سر پیمان نفتا
۷	■ هزینه‌های حفظ پیمان از سوی کانادا و مکزیک
۷	■ منزوی کردن اقتصاد چین (دومین شریک بزرگ تجاری کانادا) از سوی آمریکا
۸	■ کلام آخر



معاهده تجارت آزاد آمریکای شمالی یا نفتا، یک سازمان تجاری منطقه‌ای متشکل از سه کشور آمریکا، کانادا و مکزیک است. این معاهده به نوعی مشابه وضعیت تجاری در اتحادیه اروپا است و به مانند این اتحادیه، به سه کشور عضو، اجازه مبادلات تجاری بدون محدودیتی با یکدیگر داده شده است. نفتا نخستین بار در ژانویه ۱۹۸۸ به امضای سه کشور عضو رسید. سپس مذاکراتی در خصوص شرایط نفتا که عضویت مکزیک در منطقه تجارت آزاد را نیز در بر می‌گیرد، صورت گرفت و در اکتبر ۱۹۹۲ پایان یافت و در دسامبر همان سال امضا شد. این موافقت‌نامه سرانجام در نوامبر ۱۹۹۳، تصویب و از اوائل ژانویه ۱۹۹۴ با مشارکت هر سه کشور، به اجرا درآمد. لازم به ذکر است پیش نویس اولیه این پیمان، در سال ۱۹۸۷ و در دوران ریاست جمهوری رونالد ریگان تنظیم شد و در سال ۱۹۹۴، در زمان بیل کلینتون، رئیس‌جمهور وقت آمریکا به امضای طرفین رسید.^۱

اهداف پیمان نفتا

نفتا در راستای از بین بردن محدودیت‌های تجاری و سرمایه‌گذاری میان این سه کشور تشکیل شد. با گذشت ۱۰ سال از شروع به کار نفتا، تقریباً تمامی تعرفه‌های آمریکا و مکزیک که بر تجارت میان این دو کشور از سوی هردو کشور اعمال می‌شد (البته به جز برخی اقلام کشاورزی که از آمریکا به مکزیک صادر می‌شد) حذف شد و از آنجا که مبادلات تجاری آمریکا و کانادا پیش از این نیز بدون تعرفه و محدودیت بود، مکزیک نیز به جمع مبادلات بدون محدودیت این دو کشور پیوست. نفتا تقریباً تمامی موانع

۱ - از تحولات عظیمی که در صحنه بین‌المللی و پس از پایان جنگ سرد به‌وقوع پیوسته، تشکیل قطب‌های اقتصادی جدید به‌ویژه از اواسط دهه ۱۹۸۰ به بعد است. این گرایش‌های منطقه‌ای، به‌نوبه خود از ضرورت شکل‌گیری نظم اقتصادی جدید نشأت می‌گیرند، که اهداف فراملی و تشکیل بازار واحد جهانی را در نهایت دنبال می‌کند. به‌طور کلی سازمان‌های منطقه‌ای در جهان را می‌توان به سه گروه عمده تقسیم کرد: ۱- سازمان‌های منطقه اروپا و آتلانتیک ۲- سازمان‌های آسیایی و آفریقایی ۳- سازمان‌های قاره آمریکا، موافقت‌نامه تجارت آزاد آمریکای شمالی (نفتا) در دسته سازمان‌های منطقه‌ای قاره آمریکا قرار می‌گیرد. پیمان نفتا را می‌توان از نظر وسعت بازار، بزرگترین موافقت‌نامه منطقه‌ای در جهان دانست دانست که تا کنون تحقق یافته است. این موافقت‌نامه یک منطقه آزاد تجاری بین کانادا، مکزیک و آمریکا ایجاد کرد و موافقت‌نامه‌هایی درباره مسائل مربوط به نیری کار و محیط زیست نیز حاصل آن بود؛ که در ژانویه ۱۹۹۴ تصویب شد. نفتا به‌عنوان یک مؤسسه مستقل فعالیت نمی‌کند، بلکه بخشی از قانون ملی هریک از کشورهای طرف موافقت‌نامه است. با وجود اینکه نفتا چند سازمان را برای اجرای بخش‌های خاصی از توافق‌نامه تأسیس کرد، اما سازمانی را به سبک اتحادیه اروپا ایجاد نکرد و هیچ‌گونه دولت منطقه‌ای را بنیان نهاد. نفتا یک موافقت‌نامه تجاری است که به‌منظور تسهیل تجارت در کشورهایی که طرف این موافقت‌نامه هستند، ایجاد شده است. (نفتا NAFTA، پژوهشکده باقرالعلوم، ۱۳۹۳/۸/۲۴).

گمرکی میان این سه کشور را از میان برداشت و به آنها این اجازه را داد که بدون پرداخت هزینه گمرکی و مالیات، میزان نامحدودی از اجناس و کالاها را از مرزهایشان انتقال دهند. در راستای معاهده تجارت آزاد آمریکای شمالی، همچنین محدودیت بر واردات و صادرات انواع دستگاه‌های موتوری، کامپیوتری و انواع منسوجات، میان سه کشور عضو لغو شد؛ بنابراین این پیمان، برای هر سه کشور اهمیت فراوانی در حوزه‌های تجاری و اقتصادی داشته است. در طول سال ۱۹۹۳ در پی فشار داخلی، دولت آمریکا درباره دو موافقت‌نامه جانبی با شرکایش در نفتا، مذاکراتی را آغاز کرد که قرار بود، امنیت حقوق کارگران و محیط زیست را تامین کند. کمیسیون همکاری «کار» برای نظارت بر اجرای قوانین کار و همکاری در این خصوص، بر اساس موافقت‌نامه همکاری کار آمریکای شمالی^۱ ایجاد شد. کمیسیون همکاری «زیست محیطی» نیز برای مبارزه با آلودگی و تضمین این امر که توسعه اقتصادی به محیط زیست آسیب نمی‌رساند، برای نظارت بر رعایت قوانین زیست محیطی در نفتا و در سطوح ملی ایجاد شد. حوزه‌های کارشناسی با مشارکت نمایندگان هر کشور تشکیل شد تا در صورت نقض بی‌دلیل حقوق کارگران یا آسیب‌های زیست محیطی، قضاوت امر را بر عهده گیرند. این گروه‌ها قادر به اعمال جرایم و تحریم‌های تجاری هستند؛ اما مجبورند، مطابق با مفاد نفتا و رعایت سیستم‌های قانونی عمل کنند.

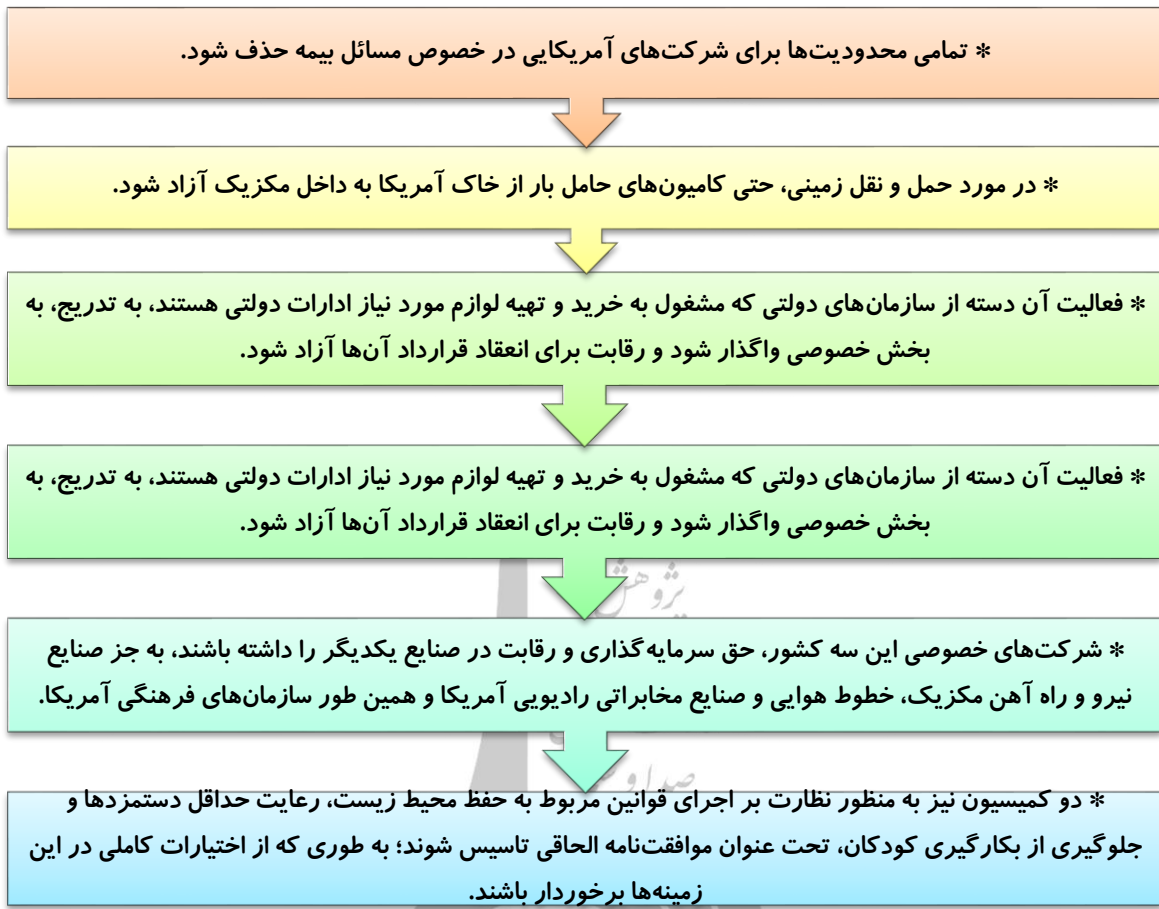
■ مفاد پیمان نفتا^۲

برای فهم استدلال‌های آمریکا برای به چالش کشیدن این توافق سه جانبه در طی سال‌های اخیر، لازم است تا به صورت مختصری به مفاد این توافق پرداخته شود.



۱ - NAALC

۲ - نفتا NAFTA، پژوهشکده باقرالعلوم، ۱۳۹۳/۸/۲۴.



■ دلایل آمریکا برای مذاکره مجدد یا خروج از نفتا

با روی کار آمدن دونالد ترامپ جمهوری‌خواه، فصل جدیدی در خصوص این پیمان سه جانبه آغاز شد. البته ترامپ در مبارزات انتخاباتی خود، بارها با صراحت از امکان خارج شدن از این پیمان، سخن گفته بود. اگرچه از سوی کارشناسان اقتصادی و سیاسی، دلایل مختلفی برای این رفتار زیادی خواهانه آمریکا نسبت به دو شریک تجاری‌اش ابراز شده است، اما می‌توان به برخی از مهمترین این دلایل به نحو زیر اشاره داشت.

اول اینکه از نگاه کارشناسان اقتصادی و به ویژه دونالد ترامپ، حفظ توافق نفتا موجب از بین رفتن حداقل ۷۰۰ هزار شغل خالص خواهد شد. این تعداد با توجه به تعداد شغل‌هایی که از طریق واردات کالا از مکزیک از بین رفته‌اند، محاسبه می‌شود. این در صورتی است که اگر مشاغل ایجاد شده توسط صادرات در آمریکا را با کالاهای وارداتی از مکزیک (به اصطلاح «کالاهای ارزان‌تر») محاسبه کنیم، در می‌یابیم که آمریکا با کسری تجارت در برابر مکزیک رو به رو است. به عبارتی با حفظ توافق آمریکا، دچار کسری تجارت با مکزیک خواهد شد. این، یکی از مهمترین دلایلی است که آمریکا را به تحمیل فشار بر دو شریک تجاری خود برای مذاکره مجدد و زیاده‌خواهی ترغیب کرده است. اما نباید این نکته را از خاطر برد که حتی اگر در تجارت با دو کشور دیگر، تعادل به وجود آید، کارگران آمریکایی همچنان با بیکاری دست به گریبان خواهند بود؛ چرا که یکی از هزینه‌های اولیه برای

پیشبرد هر کسب و کاری، به ویژه در زمینه تولید، هزینه نیروی کار است. نیروی کار در آمریکا پرهزینه است. در حالی که این نیروی کار در مکزیک ارزان تمام می‌شود؛ زیرا مکزیک یک کشور فقیرتر محسوب می‌شود. لذا به نظر کارشناسان، حتی در صورت برآورده شدن زیاده‌خواهی‌های آمریکا نسبت به توافق نفتا، بازم با مشکل بیکاری فزاینده در آمریکا مواجه خواهیم بود.

علاوه بر این، پیمان نفتا، سبب کاهش دستمزدها برای کارگران آمریکا است. برخی اقتصاددانان معتقدند که امضای قراردادهایی نظیر نفتا و کوروس (با کره جنوبی)، موجب محدود شدن گزینه‌های کار برای کارگران خواهد شد و آن‌ها را از صنایعی با درآمد نسبتاً بالا که در آن مهارت دارند، به سوی صنایعی با پرداخت پایین سوق خواهد داد. در این صورت، اگرچه ممکن است که افراد، بتوانند مشغول به کار شوند اما غالب این کارها درآمد نسبتاً پایینی را برای آنها به دنبال خواهد داشت. در واقع این درآمد پایین با توجه به هزینه‌های سنگین زندگی در آمریکا، موجب نارضایتی اقتصادی مردم بوده است. لذا دونالد ترامپ تلاش کرده است تا با ایجاد اصلاحاتی در قبال مذاکره مجدد، این شکاف را تا حدودی بهبود بخشد؛ بنابراین دلیل دیگر صحبت‌های ترامپ مبنی بر مذاکره مجدد و زیاده‌خواهی از شرکای خود، بر منافع ملی آمریکا تاکید دارد.

کارشناسان مخالف نفتا که با ترامپ همراه هستند، استدلال می‌کنند که نفتا موجب تضعیف صنایع تولیدی آمریکا شده است، لذا از مقامات دولتی بارها درخواست کرده‌اند تا اصلاحات اساسی را در آن انجام دهند. در واقع در اثر این پیمان، صنایع تولیدی در آمریکا بیش از پیش تحلیل رفته‌اند؛ چرا که بسیاری از شرکت‌های آمریکایی به راحتی کارخانه‌های خود را به مکزیک برده و سپس محصولات را بدون مالیات به آمریکا وارد کرده‌اند. همچنین نیروی کار در مکزیک به طور قابل توجهی ارزان‌تر از آمریکا است. در مجموع، این علل سبب می‌شوند تا صنایع نتوانند یا به بیان بهتر، نخواهند در آمریکا باقی بمانند. از سویی دیگر، این موافقت‌نامه به شرکت‌های تازه تاسیس آمریکایی در مکزیک، اجازه داده است تا بازارهای محلی را در اختیار گرفته و با بیرون کردن فعالان تجاری کوچک از منطقه، تشکلهای کارگری را از میان بردارند. در واقع این امر، به این ترتیب اتفاق افتاد که برخی از کارخانه‌های آمریکایی به دلیل بالا بودن قیمت تمام شده محصولات خود در آمریکا، قادر به ادامه فعالیت در کشور خود نبوده و به ناچار، کارخانه‌های مزبور را به بازارهای ارزان قیمت مکزیک منتقل کردند. بدین ترتیب، شغل‌های با دستمزد بالا در آمریکا از بین رفت و هزاران شرکت مکزیکی در رقابت با شرکت‌های تازه تاسیس آمریکایی در خاک مکزیک تعطیل شد و بازار مکزیک، از نیروهای متخصص ارزان قیمت پر شد. در پی این امر، کشاورزان و توزیع‌کنندگان خرده‌پای زیادی دچار ورشکستگی شده و عده زیادی از دهقانان نیز دچار وضع فلاکت باری شدند. لذا این توافق در مجموع، موجب بیرون رفتن سرمایه از آمریکا شده است. آمریکا سعی دارد تا به نحوی این خروج سرمایه را مورد کنترل بیشتری قرار دهد.

در مجموع، می‌توان این طور عنوان کرد که دلایلی که ترامپ را مجاب به مخالفت با معاهده تجاری نفتا می‌نماید، تراز تجاری منفی مبادلات تجاری آمریکا با کانادا و مکزیک است. در واقع، ترامپ با توجه به میزان بالای بدهی دولت آمریکا و در راستای احقاق شعار تبلیغاتی خود، یعنی «اول آمریکا»، در صدد خروج یا تعدیل هر معاهده تجاری است که در آن، مبادلات به نفع آمریکا تمام نمی‌شود. او صرفاً به دنبال تغییر معادلات در مناسبات اقتصادی با دیگر کشورها به سود آمریکا است، لذا هر جا که

در پیمان یا معاهده‌ای اقتصادی، کفه ترازو به سود آمریکا سنگینی نکند، در پی خروج یا حداقل تغییر در آن برمی‌آید که نفتا، نمونه‌ای دیگر از این رویکرد ساکنان جدید کاخ سفید است.^۱

به عقیده ترامپ و البته اقتصاددان‌های ملی‌گرا، نفتا موجب از دست رفتن فرصت‌های بسیار شغلی در آمریکا و کمربند صنعتی شامل ایالت‌های صنعتی نیویورک، پنسیلوانیا، ویرجینیای غربی، اوهایو، ایندیانا، میشیگان، ایلینوی، آیوا، ویسکانسین و بخش‌هایی از منطقه نیوانگلند می‌شود، لذا این افراد درصدد هستند تا با ملغی کردن یا تعدیل آن، یکی از شعارهای تبلیغاتی خود یعنی افزایش فرصت‌های شغلی برای آمریکاییان را عملی کنند.^۲ هرچند به نظر می‌رسد که به نفع آمریکا باشد تا از این توافق سه جانبه خارج شود، اما نباید این را از خاطر برد که خروج آمریکا در صورت عدم دستیابی به توافقی دیگر، بهای سنگینی برای آمریکا خواهد داشت. لذا طبیعی است که ترامپ تلاش می‌کند تا ابتدا با تحمیل فشار به دنبال امتیازات بیشتری باشد. **در واقع آمریکا در توافق نفتا بیشتر به دنبال تضمین زیادخواهی خود بوده است تا خروج کامل.** در هر صورت، به گزارش سایت هیل، یک تحلیل اقتصادی نشان می‌دهد، پس از خروج آمریکا از نفتا در سال اول، ۱/۸ میلیون فرصت شغلی در آمریکا از بین می‌رود. همچنین خروج آمریکا موجب می‌شود، صادرات این کشور به کانادا و مکزیک، به میزان ۱۷/۴ درصد به ازای هریک از این دو کشور و صادرات جهانی شرکت‌های آمریکایی نیز به میزان ۲/۵ درصد کاهش یابد و قدرت خرید خانواده‌های آمریکایی تقریباً تا ۶۵۴ دلار پایین بیاید که این، به دلیل افزایش قیمت‌ها و دستمزدهای پایین‌تر ناشی از تعرفه‌های افزایش یافته است. جاشوا بولتن، رئیس و مدیر اجرایی یک انجمن تجاری در آمریکا، در این زمینه تصریح کرد که «خروج از نفتا به طور دائمی، استخدام، صادرات و تولید اقتصادی آمریکا را کاهش می‌دهد و به نفع رقبای اقتصادی آمریکا و به ضرر کارگران و تجار آمریکایی است. از دولت مصرانه می‌خواهیم تا آسیب‌های احتمالی خروج از نفتا را مد نظر داشته باشد و به جای تلاش برای خروج از این پیمان، بر مدرنیزه کردن این توافق متمرکز شود تا همچنان به عنوان شالوده رونق اقتصادی آمریکا باقی بماند.

■ مذاکره مجدد بر سر پیمان نفتا

روی کار آمدن دونالد ترامپ جمهوری خواه، آغازی برای زیاده‌خواهی‌های آمریکا در قبال شرکای تجاری‌اش در نفتا بود. کمی بعد از ورود به کاخ سفید، دونالد ترامپ اعلام کرد که مذاکراتی برای حل و فصل برخی از مسائل تجاری موجود در نفتا، آغاز خواهد کرد. به بیانی بهتر، ترامپ از مذاکرات مجددی سخن به میان می‌آورد که منافع آمریکا را بیشینه سازد. رهبران کانادا و مکزیک نیز اعلام داشتند که مایل‌اند تا با ترامپ، همکاری داشته باشند تا این همکاری، مانع از بین رفتن این پیمان سه جانبه شود. جالب اینکه در کنار مذاکرات مجدد، ترامپ دائماً از خروج آمریکا از این پیمان، سخن به میان آورده است.

در ژوئیه ۲۰۱۷، دولت ترامپ لیست بلندبالایی از تغییراتی را که دلخواه آمریکا بود، به رهبران دو کشور ارائه کرد. به طور خلاصه اولویت در این لیست، کاستن از کسری‌های تجاری ایالات متحده در برابر دو رقیب تجاری بود. آمریکا در این لیست، همچنین خواستار محدود کردن موادی از این توافق شده بود که بر اساس آن، آمریکا نمی‌توانست محدودیت‌های وارداتی را بر محصولات کانادایی و مکزیک اعمال کند. این لیست همچنین مدعی شده بود که برخی از شرکت‌های این دو کشور از سوی دولت حمایت

۱- اعتماد نافرجام (تاریخ بدعهدی‌های ایالات متحده آمریکا)؛ ابودرگوهری مقدم، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، ص ۲۳۲.

۲- توافق کانادا و آمریکا برای نجات پیمان تجاری نفتا، اقتصاد آنلاین، ۱۳۹۷/۷/۱۹.

می‌شوند و در فرآیندهای ارزی، مداخله مخرب دارند. طبق نظر چاد بون^۱ از موسسه اقتصاد بین‌الملل پترسون، لیست اعلامی دولت آمریکا «با موضع رئیس‌جمهور این کشور در خصوص اعمال موانع تجاری و نظام حمایت از تولیدات داخلی بسیار همخوانی دارد. این موضوع باعث می‌شود تا نفتا نسبت به ماهیتش که توافق تجارت آزاد است، بسیار متناقض باشد.»

بنابراین می‌توان از نوعی رویکرد در سیاست خارجی آمریکا پرده برداشت که در آن، منافع آمریکا بالاتر از هر عهد و پیمان بین‌المللی دیده می‌شود و در جایی که این منافع به خطر بیفتند، آمریکا به راحتی حاضر است تا زیاده-خواهی‌های خود را مطرح سازد و از طریق ابزارهای گوناگون مذاکره و تهدید، درصد دست‌یابی به آن‌ها بر بیاید.

بنا بر نظر کارشناسان اقتصادی، آمریکا در حال ارسال این پیام به شرکای تجاری خود بوده است که حاضر نیست، منافع تجاری‌اش را تحت هیچ شرایطی به خطر بیندازد و این پیام، تنها به مکزیک و کانادا محدود نمی‌شود. البته شرکای تجاری نفتا نیز در ابتدا حاضر نبودند، به راحتی شرایط آمریکا را در مذاکرات مجدد خود بپذیرند. جفری جات از کارشناسان موسسه اقتصاد بین‌الملل پترسون معتقد است، بسیار دشوار خواهد بود که ترامپ شرکای خود را در خصوص کسری‌های تجاری آمریکا به طور کامل قانع سازد. پس از شکل‌گیری دوری از مذاکرات میان اعضای این پیمان سه‌جانبه، در دور چهارم مذاکرات، میان سه کشور یک مهلت قانونی طرح شد که بر طبق آن، این امکان به وجود آمد که می‌توان به این توافق در پنج سال بعد پایان داد. موضوعی که خبر فاجعه باری برای شرکت‌های ذی‌نفع در این توافق محسوب می‌شد. البته تنها راه حفظ این توافق در صورتی عنوان شد که هر سه کشور به توافق جامعی برسند و در واقع، همان تامين زیاده‌خواهی‌های آمریکا بود که در ابتدا به شدت از سوی دو کشور مورد مخالفت قرار گرفت. این مخالفت، فشارهای زیادی را از سوی شرکت‌های بزرگی که در مکزیک و کانادا قرار داشتند، بر دو دولت وارد کرد.

از ماه ژوئن تا اواخر اوت ۲۰۱۸، کانادا به صورت غیررسمی از مذاکرات کنار گذاشته شد؛ چراکه آمریکا و مکزیک، مذاکرات دوجانبه‌ای را برگزار کردند. در ۲۷ اوت، مکزیک و آمریکا اعلام کردند که به توافق دو جانبه در خصوص مسائل تجاری رسیده‌اند. ترودو کریستیا فریلند (وزیر امور خارجه کانادا) اعلام داشتند، در صورتی که منافع کانادا در این توافق تامین شود، مایل‌اند تا به آن بپیوندند. در این خصوص، فریلند در اواخر ماه اوت از سفر دیپلماتیک اروپایی با لغو سفرش به اوکراین، به واشنگتن دی سی بازگشت تا در مذاکرات نفتا شرکت کند. طبق گزارش مطبوعاتی کانادا که در ۳۱ ماه اوت در شهرداری اتاوا منتشر شد، مسائل کلیدی مورد بحث شامل مدیریت عرضه، داروها، معافیت فرهنگی و محدودیت‌های تجاری در نظر گرفته شده بود.

در ادامه کارشکنی‌ها و زیاده‌خواهی‌های آمریکا، دونالد ترامپ در اولین روز سپتامبر به مقامات کانادا هشدار داد، در صورتی که خواسته‌های آمریکا را نسبت به اصلاح نفتا لحاظ نکنند، آن‌ها را از یک توافق جدید بی‌بهره خواهد کرد. البته اینکه ترامپ می‌توانست، بدون تصمیم‌کننده دست به چنین کاری بزند، جای شک و تردید وجود داشت و کارشناسان، اظهارات مختلفی در خصوص آن کردند. در تاریخ ۳۰ سپتامبر ۲۰۱۸، یعنی در آخرین مهلت مذاکرات دو جانبه میان کانادا و آمریکا، یک توافق مقدماتی بین دو کشور به دست آمد. نام جدید این توافق، «توافقنامه ایالات متحده - مکزیک - کانادا»^۲ است. بدین ترتیب،

۱ - Chad Bown

۲ - USMCA

آمریکا و کانادا سرانجام درباره بازبینی پیمان تجارت آزاد آمریکای شمالی موسوم به نفتا، به توافق رسیدند و این پیمان سه جانبه، ۱/۲ تریلیون دلاری را که پس از حدود ۲۵ سال در معرض فروپاشی قرار داشت، نجات دادند.^۱ در این میان، یک مقام بلند پایه دولت آمریکا به خبرنگاران گفت که «این پیروزی بزرگی برای رئیس جمهور و اعتباری برای استراتژی وی در عرصه تجارت بین الملل است.»

■ هزینه‌های حفظ پیمان از سوی کانادا و مکزیک

حفظ توافق و مذاکره مجدد، هزینه‌های زیادی را برای مکزیک و کانادا در برداشت. این دو کشور با تن دادن به فشار آمریکا و پذیرفتن موارد گسترده‌ای از درخواست‌های ترامپ، هزینه‌هایی را به اقتصاد خود وارد آوردند که به نظر کارشناسان، این هزینه‌ها می‌تواند در بلند مدت بر اقتصاد، اثر نامطلوبی را در پی داشته باشد. به عنوان مثال کانادا موافقت کرد، تولیدکنندگان لبنی آمریکا به حدود ۳/۵ درصد از بازار لبنیات این کشور، به ارزش ۱۶ میلیارد دلار دسترسی پیدا کنند. در مقابل، دولت کانادا برای کنترل افکار عمومی اعلام کرد که آماده است تا لطمات کشاورزان کانادایی را جبران کند. مقامات آمریکایی قصد دارند در اواخر نوامبر، توافقی را با کانادا و مکزیک امضا کنند که برای تایید، تسلیم کنگره خواهد شد.

نکته مهمی در توافق تجاری جدید وجود دارد که از سوی آمریکا به شرکای تجاری‌اش، تحمیل شده است. در واقع، توافق جدید تجاری سه جانبه میان آمریکا، مکزیک و کانادا که قرار است، جای توافق قبلی نفتا را بگیرد، مانع از همکاری تجاری با کشورهای خواهد شد که بر اقتصاد بازار مبتنی نیستند. به گفته تحلیل‌گران، شرط مندرج در توافق جدید، چین را مورد هدف قرار می‌دهد. بر اساس پیمان جدید، اگر یکی از سه کشور امضاکننده پیمان با کشور دیگری که بر اقتصاد بازار مبتنی نیست، پیمان تجاری امضا کند، دیگر طرف‌ها حق دارند تا از توافق خارج شده و متقابلاً توافقی دو جانبه امضا کنند. کشورهای کانادا، آمریکا و مکزیک توافق کرده‌اند که هر نوع مذاکره‌ای با کشورهای فاقد «اقتصاد بازار»، باید در همان مراحل اولیه گفت و گو موضوع را به اطلاع طرف‌های دیگر توافق جدید برسانند و آن‌ها باید در خصوص امضای توافقات تجارت آزاد با آن کشور، بررسی‌هایشان را تکمیل کنند.

■ منزوی کردن اقتصاد چین (دومین شریک بزرگ تجاری کانادا) از سوی آمریکا

پکن سال‌ها است که از کشورهای اروپایی و آمریکا می‌خواهد تا به خواست این کشور، برای به رسمیت شناختن جایگاه چین به عنوان یک «اقتصاد بازار» تن دهند و آن‌ها به دلیل تبعیضات موجود اقتصادی در این کشور و ورود دولت به بخش‌های اقتصادی، از این کار طفره می‌روند.^۲ اگر اروپا و آمریکا بخواهند اقتصاد چین را به عنوان یک اقتصاد بازاری به رسمیت بشناسند، در واقع راه را به روی تحریم‌هایی که علیه پکن به کار می‌گیرند، می‌بندند و دیگر تحریم چین، برایشان ساده نخواهد بود. اگرچه چین و کانادا هم در سال ۲۰۱۶ میلادی به توافقاتی درباره تجارت آزاد و توافق دوجانبه در این زمینه رسیدند و قرار شد، مذاکرات و تحقیقات در این عرصه را ادامه دهند، اما حالا چین با وجود اینکه دومین شریک بزرگ تجاری کانادا پس از آمریکا محسوب می‌شود، ممکن است که با کانادا نیز دچار مشکلات تجاری تازه شود. در ضمن اگر آمریکا بخواهد ماده دیگری را هم در این

۱ - توافق کانادا و آمریکا برای نجات پیمان تجاری نفتا، اقتصاد آنلاین، ۱۳۹۷/۷/۹.

۲ - «کونومیسست بررسی کرد: آیا ستاره چین در آسمان اقتصاد افول می‌کند؟»، اقتصاد نیوز، ۱۳۹۷/۱۲/۴.

توافق بگنجانند که شامل توافقات تجارت آزاد با اروپا، ژاپن و کانادا شود، آن وقت چین برای رسیدن به توافقات با این کشورها، به طور جدی با چالش روبرو خواهد شد.

■ کلام آخر

در مجموع، آمریکا برای بار دیگر در تاریخ سیاست خارجی خود، اثبات کرد که نسبت به هیچ تعهد و توافق بین‌المللی، حتی با همسایگان خود وفادار نیست. البته نباید دچار این اشتباه شد که انگشت اتهام را تنها به سوی ترامپ برد، چرا که در واقع ترامپ، منعکس کننده نظرات نظام سیاسی آمریکا است. گواهی این ادعا حمایت‌هایی است که از سوی مقامات و نخبگان آمریکا از این تصمیم ترامپ، صورت گرفته است. به همین دلیل، کارشناسان معتقدند که اگرچه آمریکا در دستیابی به توافقی جدید و جایگزین نفتا، موفق شد و در واقع توانست تا حدودی زیاده‌خواهی‌های خود را به همسایگانش دیکته کند؛ اما این کارشکنی می‌تواند پیامدهای بین‌المللی مخربی برای آمریکا به دنبال داشته باشد. البته نباید از طرح ترامپ برای منزوی کردن اقتصادی مثل چین غفلت کرد؛ چرا که در واقع یکی از اهداف اصلی مذاکرات مجدد بر سر نفتا، محدود کردن تجارت با چین در آمریکای شمالی بوده است.^۱



۱ - اعتماد نافر جام (تاریخ بدعهدی‌های ایالات متحده آمریکا)؛ ابوذر گوهری مقدم، دانشگاه جامع امام حسین(ع)، ص ۲۳۲ .